

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

سید هاشم سدید

۲۰ جون ۲۰۱۵

سلام و عرض ادب به فرهیخته مرد عرصه زبان و ادب، جناب معروفی صاحب،

بخش اول نوشته تان را که عنوانی آقای هاشمیان نوشته اید، خواندم. مثل همیشه زیبا، از لحاظ لفظ، و پرمعنی، کوبنده و مستدل از نگاه محتوا و منطق؛ عمر تان دراز باد!

هرچند در خصوص تدوین لغتنامه گفتنی زیاد است، من در اینجا یک نکته را می خواهم یادآور شوم، آنهم به ارتباط تدوین اولین لغتنامه که آقای هاشمیان آن را منسوب به اعراب می کنند، در حالی که چنین نیست! شاید مورد استفاده قرار گیرد!

تدوین اولین لغت نامه در حدود ۴۳۰۰ سال قبل به وسیله سومری ها صورت گرفت، که به دو زبان سومری و آکدی، و بعداً یکی از این دو زبان، زبان بابلی، نوشته شده بود. بعد از آن چینیایی ها به این کار همت گماشتند و بعد از آن ها هندی ها.

شروع لغتنامه نویسی را که آقای هاشمیان به اعراب منسوب می دانند؛ اولاً در حدود هشت صد سال پیش از امروز، یعنی در حدود سه هزار و پنجاه سال بعد از لغتنامه سومری ها آغاز شده بود، و ثانیاً، این اعراب نبودند که به تدوین آن پرداخته باشند، بل مردمان غیر عربی که زیر سیطره شاهان عرب (خلفا)، یا در قلمرو امراء و حکام "عرب زده" این شاهان، به سر می بردند، خالق آن بودند. درست است که این لغتنامه سرمشقی برای لغتنامه نویسی امروزی در غرب قرار گرفت، اما، تکرار می کنم، که نه اولین لغتنامه جهان بود و نه به دست اعراب به وجود آمده است. آثار زیادی به زبان عربی توسط نویسندگان غیر عرب به وجود آمده است که آن ها را منسوب به اعراب کردن، تنها به دلیل زبانی که این آثار نوشته شده اند، کار درستی نخواهد بود.

با توجه به این خبط، و ده ها موضوع دیگر، از جمله تعصب بیش از حد در قبال زبان فارسی دری و تعصب در، خود را در مرکزیت قرار دادن و متبارز کردن، من بنده نوعی بعید می دانم که آقای هاشمیان و گردانندگان "محدودالنظر" پورتال افغان جرمن آنلاین بتوانند چنین کاری پر جنجال و پرمسئولیت و زمانبری را به پیش ببرند. ایشان، اگر واقعاً خواهان چنین کاری می بودند، در همان زمانی که فراخوان پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" در این خصوص نشر شد، نه تنها خود شان، که دیگران را هم به این کار تشویق و ترغیب می کردند؛ که شاید طی این همه سال یک مقدار کار آن هم پیش می رفت.

طوری که من می بینم، فکر می کنم، در اینجا قصد نام کشیدن است، نه انجام دادن یک خدمت یا وظیفه ملی و تاریخی! در غیر آن به چه دلیل بعد از گذشت کم و بیش سه و نیم سال عین همان فراخوان تجدید می شود؟ قیس کبیر در همان

زمان تلفونی به من گفت که اگر این فراخوان را از طریق ما می دادی، شاید این مأمول مورد توجه یک تعداد افراد
اهل زبان و ادبیات قرار می گرفت؛ در حالی که به نظر من تطبیق و اکمال این مأمول کار من و تو ندارد!
کامگار باشید
سدید